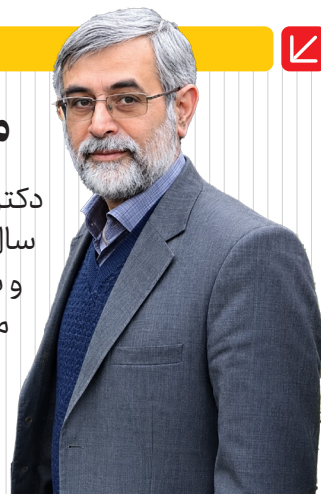


مجلس حتی یک روز هم در جنگ ۸ ساله تعطیل نشد

دکتر غلامحسین الهام، حقوقدان برجسته طی یادداشتی نوشت؛ در طول هشت سال دفاع مقدس که بخش هایی از کشور مدت ها تحت اشغال دشمن بعثی بود و برخی شهرها هم به دلایل نظامی و مهاجرت مردم امکان سکونت نداشتند، مع الوصف در دوره های دوم و سوم که هم زمان با جنگ تشکیل می شدند، نه تنها هیچ وقفه و تأخیری در انتخابات نشد، بلکه در همه ادوار، مردم شهرهای در مهاجرت، چون خرمشهر، آبادان، قصرشیرین و... نمایندگان خود را انتخاب می کردند.

۲



طرح خطرناک فرار از شکست انتخاباتی

اعتراف مهم در سی ان ان؛ پرچم دروغین اسرائیل در سقوط مشکوک فلای دبی زیر سؤال رفت



گره بازار ارز با فروش ۱۰ هزار دلار باز می شود؟
**دلار ۲۷۰ تومانی و آزمودن
یک راه بیهوده در میرداماد**

۵

سفیر اسبق ایران در عراق در گفتگو با نوبنیاد؛
**پروژه نفوذ آمریکا در
عراق هنوز ادامه دارد**

۶



امارات؛ ضلع پنهان جنگ علیه ایران

حسین نوری
روزنامه نگار

صفحه ۴

اقتصادی



چرخ تولید زیر تیغ ناترازی گاز

پزشکیان هفته گذشته، در نشست با کارآفرینان تأکید کرد که نباید برق و گاز واحدهای کسب و کار قطع شود؛ حتی اگر به این معنا باشد که دولت و دستگاه های اجرایی خودشان ناچار به تحمل محدودیت در مصرف برق و انرژی شوند.

صفحه ۳

سیاسی



زنگ انتخابات شورا به صدا درآمد

پس از چند ماه انتظار، بالاخره شورای عالی امنیت ملی با برگزاری انتخابات شوراهای موافقت کرده است. هرچند برخی مسئولان از احتمال برگزاری انتخابات در نیمه نخست آبان ماه امسال گفته اند اما برخی اخبار نیز حاکی از احتمال برگزاری شناور انتخابات شوراهای استان های مختلف است.

مسأله امارات را نباید با عینک روابط همسایگی یا حجم مبادلات تجاری دید. در شرایط جنگ، کشورها را باید با نقشی که در معادله قدرت ایفا می کنند سنجید. اگر یک کشور به تدریج به مسیر جایگزین صادرات انرژی، پایگاه لجستیکی و عقبه نظامی طرف مقابل تبدیل شود، دیگر نمی توان نقش آن را صرفاً «همسایگی» نامید. امارات امروز دقیقاً در چنین موقعیتی قرار گرفته است.

متن کامل در صفحه ۷

خبر کوتاه

سلیمانی: مجلس در کنار مردم نیست

یاسر سلیمانی، نماینده مردم بافت و رابردر مجلس شورای اسلامی و برادرزاده شهید حاج قاسم سلیمانی، با حضور در اجتماعات شبانه مردمی درباره تعطیلی صحن مجلس اظهار داشت: اعتقاد و باور قلبی بنده این است که تعطیل کردن مجلس در شرایط کنونی خیانت است. وی افزود: کسانی که در این تصمیم و به هر علت و تعبیری نقش داشتند، از نظر مردم پذیرفتنی نیست که برخی دلیل بیاورند که برای حفظ جان نمایندگان مجلس را تعطیل کردیم. سلیمانی با کنایه به تعطیلی مجلس به عنوان یکی از قوه های نظارتی کشور، اظهار داشت: مگر خون ما نمایندگان از آن سربازهایی که پای لانچر هستند رنگین تر است؟ نماینده مردم بافت تأکید کرد: ما افتخار می کنیم که بتوانیم شهید شویم و شهادت آرزوی ماست. سلیمانی در ادامه با بیان اینکه تعطیلی مجلس تصمیم درستی نبود، اظهار کرد: این تصمیم در تاریخ خواهد ماند که هشت ماه مجلس یک کشوری تعطیل شده است. سلیمانی افزود: اینکه می گویند مجلس به طور مجازی برگزار میشود حرف بیخودی است، چون اینطوری اصلاً نظارتی وجود ندارد. نماینده مردم بافت در پایان تأکید کرد که امیدوارم آقایان از این تصمیم دست بردارند تا مجلس در این شرایط حساس کنار مردم باشد.

منان رئیسی: انداختن رسایی به زندان خطای محاسباتی بود

نماینده قم در جمع نمازگزاران جمعه پردیسان گفت: خطای محاسباتی یعنی افرادی شعار ولایتمداری بدهند اما وسط جنگ وجودی، برخلاف خواسته رهبری مبنی بر پرهیز از اختلافات غیرموجه و حتی موجه، نماینده مجلس را در اقدامی بی سابقه در تاریخ جمهوری اسلامی به زندان بفرستند! وی افزود: رهبر شهید ما چقدر گفت اولویت با دانه درشت های اقتصادی باشد؟ چند مجرم اقتصادی را اعدام کرده اید؟ حکم تراستی های نفتی که ارز را برنگردانند چه شد؟ حکم سوء استفاده های برخی پتروشیمی ها که شخصاً به شما گزارش دادم چه شد؟! نماینده مردم قم تأکید کرد: چرا نیروهای انقلابی را محجور می کنید؟! اولویت ها را درست تشخیص دهید! رمز ماندگاری این انقلاب، مردم پایگی آن است؛ مبدا یا عملکرد خود مردم را ناامید و مردم پایگی نظام را تضعیف کنید.

کوثری: جان فدا زمینه تحقق شعار هر ایرانی یک بسیجی را فراهم کرد

معاون آموزش و تربیت سازمان بسیج در مراسم افتتاحیه مرکز آموزش جان فدا در میدان هفتم تیر تهران طی سخنانی اظهار داشت: در پی فراخوان «جان فدا» و با توجه به تأکید رهبر انقلاب بر «هر ایرانی یک بسیجی»، زمینه ای فراهم شده تا این مسیر از طریق ظرفیت جان فدا دنبال شود. وی افزود: هدف از دوره های آموزشی، ایجاد انگیزه اولیه در میان مردم و ثبت نام شدگان و داوطلبان عرصه نظامی و دفاعی و ورود آنها به چرخه آموزش نظامی است. کوثری ادامه داد: داوطلبان حضور در یگان های نظامی پس از طی فرآیند گزینش و احراز شرایط، وارد چرخه مشخص آموزش نظامی کشور می شوند.

مزدوران آمریکایی زیر ضرب اقدام عملیاتی سربازان گمنام امام زمان عج

وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران طی بیانیه ای اعلام کرد: «اعضای ۴ شبکه سازماندهی شده، متشکل از ۳۱ نفر از مزدوران دشمن آمریکایی-صهیونیستی در شهرستان سیرجان در پی دریافت گزارش های مردمی و رصد های اطلاعاتی سربازان گمنام امام زمان (عج) در اداره کل اطلاعات استان کرمان شناسایی و بازداشت شدند.» «این وزارت اطلاعات در این بیانیه تأکید کرد: «این مزدوران دشمن آمریکایی-صهیونی در قالب شبکه هایی با نام هایی جذاب برای نوجوانان و جوانان سازماندهی شده و دارای شرح وظائف و برنامه ریزی مشخص برای چگونگی حضور فعال در فراخوان های سراسری بودند. همچنین اعضای این شبکه های مزدور، با ساخت کوکتل مولوتف به تعداد زیاد، تهیه و ساخت ابزار تخریب دوربین های شهری در حال آمادگی برای ایجاد ناآرامی و خرابکاری خیابانی بودند.»

دکتر غلامحسین الهام حقوقدان برجسته طی یادداشتی، موارد نقض قانون اساسی به خاطر تعطیلی چندماهه مجلس را تشریح کرد

مجلس حتی یک روز هم در جنگ ۸ ساله تعطیل نشد



غلامحسین الهام

حقوقدان

مجلس اجتناب کنند.

بعد از این واقعه، نمایندگان مجروح و مصدوم با برانکار در مجلس حاضر شدند تا مبدا به دلیل نرسیدن به نصاب لازم، جلسات پارلمان تشکیل نشود. در طول هشت سال دفاع مقدس که بخش هایی از کشور مدت ها تحت اشغال دشمن یعنی بود و برخی شهرها هم به دلایل نظامی و مهاجرت مردم امکان سکونت نداشتند، مع الوصف در دوره های دوم و سوم که هم زمان با جنگ تشکیل می شدند، نه تنها هیچ وقفه و تأخیری در انتخابات نشد، بلکه در همه ادوار، مردم شهرهای در مهاجرت، چون خرمشهر، آبادان، قصر شیرین و... نمایندگان خود را انتخاب می کردند. اصولاً قانون اساسی بر استمرار نهاد مجلس و جلوگیری از هر نوع توقف و تعطیل این نهاد، که به تعبیر بنیان گذار جمهوری اسلامی در رأس امور قرار دارد، تأکید جدی و مکرر دارد. اصل شصت و سوم به صراحت اعلام می کند: «... انتخابات هر دوره باید پیش از پایان دوره قبل برگزار شود، به طوری که کشور در هیچ زمان بدون مجلس نباشد.»

اصل شصت و هشتم بیان می کند: «در زمان جنگ و اشغال نظامی کشور، به پیشنهاد رئیس جمهور و تصویب سه چهارم مجموع نمایندگان و تأیید شورای نگهبان، انتخابات نقاط اشغال شده یا تمامی مملکت برای مدت معینی متوقف می شود و در صورت عدم تشکیل مجلس جدید، مجلس سابق همچنان به کار خود ادامه خواهد داد.»

در اصل شصت و نهم، با تأکید بر اینکه مذاکرات مجلس باید علنی باشد و گزارش کامل آن از طریق رادیو و روزنامه رسمی برای اطلاع عموم باید منتشر شود، اضطراب رافقط برای غیرعلنی کردن جلسات، با شرایط سختی پذیرفته است و نه برای توقف فعالیت های مجلس. در این اصل، شرایط اضطراری وقتی مصداق می یابد که امنیت کشور ایجاب کند و رئیس جمهور یا یکی از وزرا و یا ده نفر از نمایندگان تقاضا کنند.

در سال ۱۳۶۸، هنگام بازنگری قانون اساسی، موضوع انحلال مجلس مطرح شد و چالش هایی را برانگیخت. سرانجام رهبر جدید جمهوری اسلامی و جانشین امام راحل، ره، یعنی امام شهید، قدس سره، صریحاً مجلس بازنگری را از این کار نهی فرمودند. لازم به ذکر است که انحلال مجلس از مواردی نبود که امام ره اجازه بازنگری در آن راداده باشد.

در حافظه تاریخی ملت ایران، خاطرات ناگواری از انحلال مجلس وجود دارد. بعد از انحلال مجلس هفدهم مشروطه که به وسیله دکتر مصدق پس از رفتارندوم

صورت گرفت، با فاصله کمی کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ اتفاق افتاد. شاید در صورت وجود مجلس، امکان تعیین نخست وزیر به وسیله شاه و متعاقباً آن کودتا وجود نمی داشت. انحلال مجلس یا مجلسین، با اصرار محمدرضا شاه در سال ۱۳۲۸ و در شرایط ویژه، وارد قانون اساسی مشروطه شد و جمهوری اسلامی با بهره از تجربه زیسته تاریخی، همه گذرگاه های منتهی به تعطیل مجلس را مسدود کرد. با این توضیحات، تعطیلی شش ماهه مجلس دوازدهم با پرسش جدی از سوی ملت مواجه است و اولین پاسخگوی آن، رئیس مجلس به اعتبار سخنگویی مجلس است. گفته شده است مصوبه شورای عالی امنیت ملی این تکلیف را کرده است. به نظرمی رسد که این عذری بدتر از گناه است؛ چرا که جایگاه شورای عالی امنیت ملی مقتضی چنین تصمیمات و مصوباتی نیست. به خصوص که این نهادی اجرایی است و ریاست آن با رئیس قوه مجریه است.

تأیید رهبری بر این نوع مصوبات، که لابد به دلایل امنیتی غیرقابل انتشار هم هستند، مسئله ای است که برای برخی نمایندگان نیز محل سؤال و تردید واقع شده است. معضلات نظام، راه حل دیگر و مرجع دیگری دارد. به نظرمی رسد که رهبری «علی الاصول» با چنین مصوباتی موافق نباشد.

آنچه با این توقف یا تعطیلی رخ داد، مشروعت سرپرستی وزارتخانه های بدون وزیر را پالش مواجه کرده است. طبق اصل ۳۵ قانون اساسی، سرپرستی وزارتخانه ها تا سه ماه تجویز شده و شورای نگهبان هم در تفسیر این اصل گفته است: «تعیین سرپرست برای بیش از یک سه ماه امکان پذیر نمی باشد.» اکنون حدود شش ماه است که وزارتخانه های دفاع و اطلاعات با سرپرست اداره می شوند؛ مشروعت اقدامات و تصرفات این سرپرستان مبهم است.

از سوی دیگر، اصل هفتاد و هفتم قانون اساسی، تصویب عهدنامه ها و مقاوله نامه ها و قراردادها و مقاوله نامه های بین المللی را انحصاراً و الزاماً در صلاحیت مجلس قرار داده است. در شرایط فعلی، مرجع تصویب تقاهم نامه ها با آمریکا و پایان جنگ کجا ست؟

مجلس مجازی هم که اگر جنبه اضطراری دارد، مصوبات آن مشمول اصل شصت و نهم می شود؛ رأی سه چهارم می خواهد و سایر شرایط مذکور در این اصل را طلب می کند که ظاهراً همه آنها مفقود است. و معتبر بودن مصوبات جلسات مجازی، به جد محل تأمل است.

یادداشت

اولین انتخابات جنگ و آماده‌باش امت مبعوث

میلاد آصفری
فعال سیاسی

به گفته مسئولان وزارت کشور، انتخابات شوراهای شهرنزدیک است؛ انتخاباتی که این بار فقط یک رقابت محلی نیست. این انتخابات، اولین میدان آزمون عمومی «اصحاب وفاق» و مردم در دوره پسا جنگ خواهد بود. کارگزارانی که از سال ۱۴۰۳ قدرت را در کشور قبضه کرده‌اند و حالا باید برای اولین بار در بوته‌آرای عمومی پاسخ پس بدهند.

نکته‌ای که نباید از آن گذشت، دوگانگی رفتار این طیف است. همان‌ها که در دوره شهیدرئیس، مجلس را به میدان تقابل با دولت تبدیل کرده بودند و هرتصمیمی را با ذره‌بین سیاسی می‌سنجیدند، امروز در برابر دولت وفاق به تماشاجی بی صدا تبدیل شده‌اند. نظارتی نیست، سواالی نیست، تذکری نیست. مجلس به بهانه جنگ تعطیل می‌شود، وزرا بدون پاسخگویی کار خود را می‌کنند، و دلار در سکوت به مرزهای بی‌سابقه می‌رسد. گویی قرار نیست صدای مجلس دربیاید. این مماشات، نه از سراعتدال که از سرمحاسبه انتخاباتی است.

حالا اما معادله شوراهای شهر و سرنوشت شهرداری‌ها، صحنه یک آرایش انتخاباتی تازه است. در این آرایش، «اصحاب وفاق» نه به عنوان یک فهرست، که به عنوان یک گفتمان و سبک از حکومت‌داری خودنمایی می‌کند؛ گفتمانی که نه ساخته رسانه‌های منتقد، که محصول عملکرد خود این جریان است. عملکردی که در دوره‌های مختلف دولت و شهرداری این جماعت، یادآور تنبلی و کار نمایشی، بازی با افکار عمومی، ترجیح منافع جناحی و باندی بر منافع ملی، پرهیز از شفافیت، توزیع رانت مدیریتی میان فعالان ستادهای انتخاباتی، و خرج‌کرد اموال مردم با اهداف سیاسی بوده است. طبعاً در برابر چنین گفتمانی، تنها کسانی می‌توانند اعتماد مردم را جلب کنند که رفتار و گفتارشان در جنگ‌های اخیر خوش درخشیده، خط و ربطشان سلامت بوده، کارنامه‌شان به نفع مردم رقم خورده، و در یک کلام، مطابق رهنمودهای امام شهید و رهبر انقلاب، در پی توسعه شهر باشند. اینان اصلی‌ترین رقیب وفاق‌یون در این انتخابات خواهند بود.

باید خاطرنشان کرد که این انتخابات، در حوزه انتخابیه، نه یک رقابت محلی، که مقدمه‌ای برای یک تحول ملی است. شکست قریب‌الوقوع وفاق‌یون در این آزمون، زمینه‌ساز تحول سیاسی در انتخابات آتی مجلس و دولت خواهد شد و همین امر، اوضاع ناموزون حاکم بر امروز اقتصاد و سیاست ایران را تغییر خواهد داد. به همین خاطر است که برخلاف سکوت انتخاباتی این روزها، انتخابات پیش‌روی شوراهای شهر و روستا به نقطه‌ای تعیین‌کننده برای آینده سیاسی بدل می‌شود. مردم باید در این انتخابات سنگ تمام بگذارند؛ نه برای یک شهر، برای یک کشور.

خبر کوتاه

گزارش استیضاح وزیر کار به هیئت‌رئیس مجلس رسید

روز گذشته، عباس گودرزی سخنگوی هیئت‌رئیس مجلس شورای اسلامی، از وصول گزارش کمیسیون اجتماعی درباره استیضاح احمد میدری، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، در هیئت‌رئیس مجلس خبر داد. وی اظهار کرد: گزارش کمیسیون اجتماعی در خصوص استیضاح وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی به هیئت‌رئیس مجلس ارسال شده است. عضو هیئت‌رئیس مجلس افزود: موضوع بررسی، پیگیری و تصمیم‌گیری در خصوص استیضاح‌های انجام شده توسط نمایندگان جزء دستور کارهای این هفته هیات رئیسه مجلس شورای اسلامی است و هیات رئیسه مجلس در این خصوص تصمیم‌گیری خواهد کرد و نتایج حاصله را به سمع و نظر مردم عزیز خواهیم رساند.

انتقاد زاکانی از ضعف در برخورد با مفاسد اقتصادی

داشته باشد.

علیرضا زاکانی با انتقاد از ضعف در برخورد با مفاسد اقتصادی افزود: اگر مجموعه‌های مسئول برخورد با مفاسد اقتصادی شعار بدهند اما در عمل اقدام مؤثری انجام نشود، مانند این است که در انبار غله، گله‌ای موش را رها کنیم تا غله را غارت کند. باید جلوی این مسئله گرفته شود و قانون نیز ظرفیت‌های لازم را دارد.

شهردار تهران افزود: مسئولان نیز باید توجه داشته باشند که یک راه جدید را دنبال کنند؛ راه گذشته برای این مقطع و شرایط کشش ندارد. در متن جنگ نباید بند ناف ارز کشور به سیاستمداران و مسئولان آمریکایی گره بخورد. کشور



شهردار تهران یکی از خلأهای مهم امروز کشور را نبود برنامه و حس متناسب با شرایط جنگی دانست و گفت: در شرایطی که کشور در حال جنگ است، باید برنامه جنگی و حس جنگی متناسب با آن وجود

مجوز شورای عالی امنیت ملی برای برگزاری انتخابات شوراهای صادر شده است

زنگ انتخابات شورا به صدا در آمد

پس از چند ماه انتظار، بالاخره روز گذشته اعلام شد که شورای عالی امنیت ملی با برگزاری انتخابات شوراهای موافقت کرده است. موعد هفتمین دوره انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا اردیبهشت امسال بود که به واسطه تحمیل جنگ دوازده روزه بر کشور به تعویق افتاد. آنگونه که مسئولان اجرایی و نظارتی این دوره از انتخابات گفته‌اند، مصوب شده بود تا برگزاری این دوره، دو ماه پس از اعلام شورای عالی امنیت ملی مبنی بر پایان قطعی جنگ برگزار شود. هرچند برخی مسئولان از احتمال برگزاری انتخابات در نیمه نخست آبان‌ماه امسال گفته‌اند اما برخی اخبار نیز حاکی از احتمال برگزاری شناور انتخابات شوراهای در استان‌های مختلف است.

جعفر کاظمی

روزنامه‌نگار

رئیس هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات شوراهای اسلامی کشور در پایان اضافه کرد: در حال حاضر زمان مشخصی برای برگزاری انتخابات شوراهای اسلامی کشور تعیین نشده اما بنا داریم هرچه زودتر

انتخابات با سطح مشارکت بالا را در سراسر کشور برگزار کنیم که در خصوص تاریخ دقیق برگزاری انتخابات، «هیأت مرکزی نظارت» و «ستاد انتخابات کشور» به زودی تصمیم خواهند گرفت.

یا هشتم یا پانزدهم آبان

علی کشوری سخنگوی هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات مجلس شورای اسلامی نیز در اینباره خبر داد: با پیگیری ستاد انتخابات و هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات مجلس شورای اسلامی، تاریخ پیشنهادی اولیه همراه بود که با توجه به حوادث دیگر، برگزار نشد و شورای عالی امنیت ملی اعلام کرد ۲ ماه پس از پایان جنگ، انتخابات برگزار شود.

وی اظهار کرد: در ادامه پیگیری‌ها در نهایت قرار شد، نیمه اول آبان در یکی از روزهای هشتم یا پانزدهم آبان، انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا برگزار شود.

سخنگوی هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات مجلس شورای اسلامی همچنین



در تشریح فرآیند برگزاری انتخابات گفت: در برخی مناطق کشور، ممکن است امکان برگزاری انتخابات فراهم نباشد و به این ترتیب، احتمال می‌رود انتخابات بصورت سراسری نباشد، اما سازوکار اجرایی و نظارتی متفاوتی خواهد داشت. علی کشوری در ادامه تأکید کرد: مقرر شد وزارت کشور و نهادهای مرتبط، مناطقی که امکان برگزاری انتخابات نیست را مشخص کند و در سایر مناطق انتخابات برگزار شود.

طبق این گزارش، هفته گذشته اسکندر مؤمنی، وزیر کشور، در جلسه هیات دولت گزارشی درباره آخرین آمادگی‌ها برای برگزاری انتخابات شوراهای کشور ارائه کرد و گفت: با وجود شرایط جنگی و فشارهای اقتصادی، تجهیزات کامل و کافی برای برگزاری انتخابات تمام الکترونیک آماده شده است. تمام تجهیزات، دستگاه‌ها و تعرفه‌ها در سراسر کشور توزیع شده و آماده برگزاری انتخابات هستیم؛ نیمه اول آبان، تاریخ پیشنهادی است.

سه روز مانده به ۱۵مهر؛ سرنوشت افزایش کالابرگ به کجا رسید؟



سه روز تا ۱۵ مهرماه، موعد وعده داده شده برای افزایش اعتبار کالابرگ باقی مانده است؛ اما هنوز دو پرسش اصلی برای میلیون ها خانوار بی پاسخ مانده است: اعتبار کالابرگ در نهایت چقدر افزایش خواهد یافت و این افزایش شامل چه گروه هایی خواهد شد؟ اگرچه در روزهای اخیر عبدالناصر، رئیس کل بانک مرکزی از افزایش ۵۰ درصدی مبلغ کالابرگ اقشار کم درآمد خبر داد، اما اظهارات تازه وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی نشان می دهد که این رقم هنوز نهایی نشده است. البته سیدعلی مدنی زاده، وزیر امور اقتصادی و دارایی از افزایش حداقل ۳۰۰ هزار تومانی اعتبار کالابرگ خبر داده و تأکید کرده بود که این رقم، کف افزایش اعتبار است. اکنون احمد میدری، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی می گوید: بانک مرکزی افزایش ۵۰ درصدی کالابرگ را مطرح کرده و تلاش می شود که به صورت تدریجی از ۱۵

مهر اجرایی شود. او تأکید کرد که اولویت اصلی دولت، حمایت معیشتی از اقشار آسیب پذیر و تحت پوشش است و تلاش می شود اجرای این تصمیمات از ۱۵ مهر به صورت تدریجی آغاز شود. میدری اظهار داشت: در این خصوص جلسات مکرری با حضور رئیس کل بانک مرکزی، رئیس سازمان برنامه و بودجه و وزیر امور اقتصادی و دارایی برگزار شده و هماهنگی های لازم میان اعضای تیم اقتصادی در حال انجام است. وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در مورد افزایش رقم اعتبار کالابرگ گفت: با وجود اینکه هنوز جزئیات و زمان بندی قطعی نهایی نشده، اما قولی که داده شده، موعد ۱۵ مهرماه است تا بتوانیم از این تاریخ، اقشار مورد نظرا به صورت تدریجی مشمول این افزایش ها کنیم. میدری همچنین از تغییر مدل دهک بندی یارانه ها خبر داد و اعلام کرد که دهک بندی به مفهوم

رایج آن، در واقع یک ابزار تحلیلی است که به نوعی کنار گذاشته شده است. یارانه امری اختصاصی برای ایران نیست و در سراسر جهان پیاده سازی می شود؛ به طوری که طرحی مشابه همین کالابرگی که در ایران اجرا می شود، در کشورهایی نظیر اندونزی تا ایالات متحده آمریکا نیز برقرار است و در آمریکا ماهانه به ۵۰ میلیون نفر، کالابرگ و کمک های غذایی رایگان اعطا می شود. وی تصریح کرد: در شیوه جدید، جامعه به جای دهک ها، به سه گروه وسیع پایین، وسیع متوسط و وسیع بالا تقسیم می شود. این دسته بندی با استفاده از شاخص های جمعیتی و یکپارچه وزارت امور اقتصادی و دارایی، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و تمامی سامانه ها و دستگاه های اجرایی ذی ربط صورت می گیرد تا هدفمندی واقعی تری در تخصیص حمایت ها شکل گیرد.

بررسی چالش های ناترازی انرژی در آستانه فصل سرد نشان می دهد؛

چرخ تولید زیر تیغ ناترازی گاز

مسعود پزشکیان رئیس جمهوری هفته گذشته، در نشست با کارآفرینان و فعالان اقتصادی، با اشاره به تلاش دولت و دستگاه های اجرایی برای رفع موانع و اصلاح آیین نامه های دست و پا گیر در مسیر حمایت از تولیدکنندگان و صاحبان کسب و کار، تأکید کرد که نباید برق و گاز واحدهای کسب و کار قطع شود؛ حتی اگر به این معنا باشد که دولت و دستگاه های اجرایی خودشان ناچار به تحمل محدودیت در مصرف برق و انرژی شوند.



هادی هدایت زاده

روزنامه نگار

با نزدیک شدن به فصل سرد، موضوع تأمین گاز و نحوه توزیع آن میان بخش های مختلف مصرف کننده بار دیگر به یکی از چالش های مهم اقتصاد ایران تبدیل شده است. افزایش مصرف گاز در بخش خانگی و تجاری طی ماه های سرد سال، در شرایطی که کشور همچنان با ناترازی گاز روبه روست، معمولاً به اعمال محدودیت برای صنایع منجر می شود. این محدودیت ها اگرچه با هدف حفظ پایداری شبکه گازرسانی به بخش خانگی اعمال می شوند، اما هزینه آن در نهایت مستقیماً بر دوش بخش تولید قرار می گیرد.

ناترازی انرژی و فشار بر صنایع

اهمیت این موضوع زمانی بیشتر می شود که بدانیم صنایع بزرگی همچون سیمان، فولاد، پتروشیمی و صنایع معدنی برای تداوم فعالیت خود به تأمین پایدار انرژی نیاز دارند. کاهش یا قطع گاز این واحدها صرفاً به معنای کاهش مصرف سوخت نیست، بلکه می تواند توقف خطوط تولید، افزایش هزینه تمام شده محصولات، کاهش صادرات و اختلال در زنجیره تأمین را نیز به دنبال داشته باشد. صنعت سیمان نمونه روشنی از پیامدهای این وضعیت است. علی اکبر الوندیان، دبیر انجمن صنفی کارفرمایان صنعت سیمان، اعلام کرده است که دیماند گاز این صنعت حدود ۲۸ میلیون مترمکعب در روز است، اما در کمترین میزان گاز اختصاص یافته به کارخانه ها به کمتر از ۵ میلیون مترمکعب در روز رسیده است. پیامد این محدودیت، افزایش استفاده از مازوت بوده؛ به طوری که فعالان این صنعت می گویند حتی در ماه های گرم سال نیز برخی کارخانه ها ناچار به استفاده از سوخت مایع شده اند. این جایگزینی البته هزینه قابل توجهی دارد. براساس اظهارات دبیر انجمن سیمان، قیمت مازوت طی دو ماه ۶۶ درصد افزایش یافته و هزینه حمل آن از جنوب کشور نیز دست کم لیتری ۲ هزار تومان است. به گفته او، مجموع این هزینه ها می تواند افزایش قابل توجه هزینه تمام شده تولید سیمان را به همراه داشته باشد. همزمان، تولید کلینکر در پنج ماه نخست سال نیز ۳/۵ میلیون تن کاهش یافته است. بنابراین محدودیت انرژی دیگر صرفاً یک مسئله مربوط به تأمین سوخت نیست و می تواند به موضوعی اثرگذار بر تولید، قیمت و صادرات تبدیل شود. در چنین شرایطی، نمی توان راه حل ناترازی گاز را تنها در محدود کردن مصرف صنایع جست و جو کرد. اگر هر سال با آغاز زمستان، برای حفظ مصرف خانگی، صنایع در نخستین ردیف

محدودیت ها قرار بگیرند، بخشی از هزینه ناترازی انرژی به تولیدکنندگان و مصرف کنندگان منتقل و در نهایت به اقتصاد کشور تحمیل خواهد شد.

راهکار اصلی باید کاهش فاصله میان عرضه و تقاضای گاز باشد؛ اقدامی که همزمان به افزایش عرضه و مدیریت مصرف نیاز دارد. نخستین گام در این مسیر، بازگرداندن سریع ظرفیت های آسیب دیده تولید گاز است. پس از آسیب هایی که در جریان جنگ به تأسیسات پارس جنوبی وارد شد، برنامه بازگرداندن زود هنگام ظرفیت های از دست رفته در دستور کار قرار گرفت. براساس گزارش های منتشرشده، حدود ۵۰ درصد ظرفیت آسیب دیده تا پایان شهریور به مدار بازگشته و عملیات بازسازی سایر واحدها نیز ادامه دارد. هر میزان از ظرفیت تولید که پیش از آغاز اوج مصرف زمستانی به مدار بازگردد، می تواند فشار بر شبکه را کاهش داده و احتمال انتقال محدودیت ها به صنایع را کمتر کند.

واردات و دیپلماسی گازی در کنار تولید داخلی

مسیر دیگر، استفاده از ظرفیت واردات و دیپلماسی گازی است. مذاکرات ایران و روسیه برای واردات گاز همچنان ادامه دارد و براساس گزارش های منتشرشده، موضوعاتی از جمله قیمت و سازوکار پرداخت همچنان در این مذاکرات مطرح است. در مورد ترکمنستان نیز ظرفیت همکاری و سواپ گاز می تواند برای تأمین نیاز مناطق شمالی و کاهش فشار بر شبکه داخلی مورد استفاده قرار گیرد. البته واردات گاز به تنهایی نمی تواند جایگزین اصلاحات ساختاری برای حل ناترازی باشد، اما در دوره اوج مصرف می تواند به عنوان ابزاری کوتاه مدت و مکمل مورد استفاده قرار گیرد.

در سمت تقاضا، بخش خانگی بیشترین ظرفیت را برای مدیریت مصرف در اختیار دارد. یکی از مهم ترین نقاط اتلاف انرژی نیز بخاری های فرسوده و کم بازده هستند. طبق گزارش های منتشرشده، جایگزینی این بخاری ها می تواند ظرفیت قابل توجهی برای کاهش مصرف گاز ایجاد کند. در واقع، سرمایه گذاری در تجهیزات کم مصرف می تواند به جای آنکه هر سال هزینه ناترازی از طریق قطع گاز صنایع پرداخت شود، بخشی از مصرف را به شکلی پایدار کاهش دهد. در کنار این اقدام، می توان از ظرفیت شرکت های کارور گاز نیز برای مدیریت مصرف بهره گرفت. در این مدل، شرکت های تخصصی با شناسایی ظرفیت های صرفه جویی در میان مشتریان و اجرای طرح های بهینه سازی، بخشی از مصرف را کاهش می دهند و از محل صرفه جویی ایجادشده منتفع می شوند. شرکت ملی گاز برای سال ۱۴۰۵ کاهش یک میلیارد مترمکعب مصرف و پوشش بیش از ۲ میلیون مشترک را در قالب این سازوکار هدف گذاری کرده است.

اجرای این مدل می تواند مدیریت مصرف را از یک توصیه عمومی به فعلییتی تخصصی و اقتصادی تبدیل کند.

اولویت بندی مصرف در شرایط اضطراری

مدیریت مصرف همچنین باید هدفمند باشد. با آغاز فصل سرما، مصرف گاز ویلاهای خالی از سکنه و استخرهای تواند در اولویت بررسی و محدود سازی قرار گیرد. در شرایط کمبود، منطقی نیست مصرف های غیرضروری بدون تغییر ادامه پیدا کند، در حالی که واحدهای تولیدی که اشتغال و صادرات ایجاد می کنند با محدودیت مواجه شوند. همزمان، لازم است برای نیروگاه ها از ماه های قبل سوخت جایگزین کافی پیش بینی شود تا در روزهای سرد، سهم بیشتری از گاز شبکه برای مصارف ضروری و صنایع باقی بماند. این برنامه باید پیش از ورود شبکه به شرایط بحرانی اجرا شود، نه زمانی که محدودیت ها آغاز شده اند. در استان هایی که به دلیل موقعیت جغرافیایی یا محدودیت شبکه انتقال، احتمال افت فشار گاز در آنها بیشتر است نیز باید ذخیره سازی و توزیع سوخت جایگزین از قبل برنامه ریزی شود. تجربه محدودیت های گاز در شمال کشور و پیگیری واردات از ترکمنستان نشان می دهد که مدیریت منطقه ای شبکه نیز بخشی از مسئله ناترازی است.

شرط عبور ایمن از فصل سرد

با ورود به به فصل سرد سال، شرایط شبکه گاز متفاوت خواهد شد. اگر اقدامات لازم از پیش انجام نشده باشد، علاوه بر احتمال قطع یا محدودیت گاز صنایع، امکان قطع گاز مشترکان خانگی در استان های شمالی نیز وجود خواهد داشت. از این رو، مدیریت مصرف باید جدی گرفته شود و تصمیم گیری ها براساس شرایط اضطراری شبکه انجام شود. در مجموع، عبور از زمستان بدون وارد شدن آسیب جدی به تولید، به ترکیبی از سیاست های مرتبط با عرضه و تقاضا نیاز دارد؛ از بازگرداندن سریع ظرفیت های آسیب دیده گرفته تا واردات و سواپ گاز از روسیه و ترکمنستان، کاهش مصرف خانگی، استفاده از ظرفیت کارورهای گاز، حذف مصارف غیرضروری، نوسازی بخاری های فرسوده و ذخیره سازی سوخت جایگزین برای نیروگاه ها و استان هایی که بیشتر در معرض محدودیت قرار دارند. تجربه امسال صنعت سیمان نشان داده است که انتقال کامل بار ناترازی انرژی به صنایع، هزینه سنگینی برای بخش تولید به همراه دارد. بنابراین مسئله زمستان پیش رو تنها تأمین گاز مورد نیاز خانه ها نیست؛ چالش اصلی این است که چگونه می توان هم نیاز خانوارها به گرمایش را تأمین کرد و هم چراغ تولید را روشن نگه داشت.

موج خبر

سود سهام عدالت امسال چقدر است؟

مدیر نظارت بر ناشران سازمان بورس و اوراق بهادار، با اشاره به آخرین وضعیت برگزاری مجامع شرکت های سرمایه پذیر سهام عدالت، درباره زمان واریز سود سهام عدالت اعلام کرد: به محض دریافت سود از شرکت های سرمایه پذیر و فراهم شدن امکان واریز، سود سهام عدالت به حساب مشمولان پرداخت خواهد شد، اما در حال حاضر زمان دقیق واریز سود مشخص نیست. ولی الله جعفری افزود: مجامع مربوط به عملکرد سال ۱۴۰۴ شرکت های سرمایه پذیر در سال ۱۴۰۵ برگزار شده و شرکت ها موظف هستند مطابق برنامه زمان بندی پرداخت سود سهام، سود متعلق به سهامداران عدالت را پرداخت کنند. او گفت: رقم سود حدود ۲ میلیون تومان خواهد بود، اما مبلغ نهایی پس از برگزاری کامل مجامع و محاسبه سود شرکت ها از سوی شرکت سپرده گذاری مرکزی اعلام می شود. برآورد فعلی نشان می دهد مبلغ سود سهام عدالت احتمالاً بین ۲ تا ۲،۵ میلیون تومان خواهد بود. مدیر نظارت بر ناشران سازمان بورس درباره نحوه دریافت سود سهام عدالت متوفیان نیز گفت: وراثت سهامداران متوفی می توانند به یکی از شعب بانک های ملی، ملت، تجارت و پارسیان یا شرکت های کارگزاری که نام آنها در سایت شرکت سپرده گذاری مرکزی درج شده است، مراجعه کنند. نماینده وراثت باید اطلاعات و مدارک مورد نیاز را به طور کامل در اختیار شعب بانک یا شرکت کارگزاری قرار دهد تا اطلاعات در سامانه «میراث» ثبت شود. پس از ثبت اطلاعات در سامانه میراث، شرکت سپرده گذاری مرکزی بر اساس اطلاعات دریافت شده، فرآیند مربوط به انحصار وراثت و انتقال سهام و منافع آن به وراثت انجام می دهد.

۱۷۰۰ صندوق قرض الحسنه بدون مجوز در فهرست سیاه

دبیر شورای عالی مقابله و پیشگیری از جرایم پولشویی و تأمین مالی تروریسم با ابراز نگرانی از سوءاستفاده مجرمان اقتصادی از خلأ نظارتی موجود بر بیش از ۶۰۰۰ صندوق قرض الحسنه فاقد مجوز، اعلام کرد: در تعامل نزدیک با بانک مرکزی و رصد تراکنش های مالی، بیش از ۱۷۰۰ صندوق قرض الحسنه بدون مجوز که دارای تراکنش های مالی بوده اند، شناسایی و در گام اول در لیست اشخاص پرخطر قرار گرفته اند. هادی خانی افزود: فرآیند طبقه بندی تدریجی این صندوق ها به عنوان اشخاص مظنون به معاملات مشکوک به پولشویی و تأمین مالی تروریسم، به دلیل بی توجهی به دستورالعمل ابلاغی بانک مرکزی و تأخیر یک ساله در اخذ مجوزهای قانونی آغاز شده و این اقدامات در راستای صیانت از جایگاه نهاد قرض الحسنه و حذف بسترهای فساد از این حوزه صورت می گیرد. رئیس مرکز اطلاعات مالی با اشاره به گذشت بیش از یک سال از مهلت دو ساله بانک مرکزی به صندوق های قرض الحسنه فاقد مجوز گفت: تنها تعداد انگشت شماری به این ضرب الاجل توجه نشان دادند و به تکالیف قانونی خود عمل کردند.

نخب اقتصاد

وزارت صمت آرایش جنگ اقتصادی ندارد!

در شرایطی که کشور در بطن یک جنگ همه جانبه اقتصادی قرار دارد و دشمنان با انواع تحریم‌های ظالمانه، بحران آفرینی‌های منطقه‌ای و فشار بر منابع ارزی در پی تضعیف پایه‌های استقلال کشور هستند، عقلانیت و منطق حکم‌رانی اقتصادی می‌کند که دستگاه‌های متولی، رفتار خود را دقیقاً با مختصات یک اتاق جنگ اقتصادی تنظیم کنند. در چنین صحنه‌ای، صیانت از تک‌تک دلارهای حاصل از صادرات و ذخایر حیاتی کشور، وظیفه‌ای شرعی و ملی است تا مبادا اندکی از این منابع گران بها صرف مصارف غیرضروری و غیرمولد شود. با این حال، برخی تصمیمات، بخشنامه‌ها و مجوزهای اخیر در وزارت صمت، معدن و تجارت تصویر دیگری پیش چشم می‌گذارد. به نظر می‌رسد در بدنه مدیریتی این وزارتخانه، درکی واقعی از قرارگاه نبرد اقتصادی وجود ندارد؛ توگویی برخی تصمیم‌گیران در جزیره‌ای آرام، آسوده و بی‌ارتباط با واقعیت‌های معیشتی جامعه نشسته‌اند و در پندار و فور منابع، تصمیم‌هایی روزمره و کم‌اثر اتخاذ می‌کنند. امروز میدانی‌ترین دماسنج اقتصاد، یعنی کارخانه‌ها و کارگاه‌های تولیدی، نشانه‌های روشنی از این ناهماهنگی را مخابره می‌کنند. تولیدکنندگان، قطعه‌سازان و صنعتگران متعهد داخلی به سبب قطره چکانی بودن تخصیص ارز برای مواد اولیه، قطعات واسطه‌ای و ماشین‌آلات، ناچار به کاهش شیفیت‌ها یا افت ظرفیت شده‌اند. فعال اقتصادی ماه‌ها در صفوف طویل بانک مرکزی منتظر می‌ماند تا مبالغی حداقلی جهت روشن نگاه داشتن چراغ خط تولید و حفظ معیشت کارگران آزاد شود. در این وضعیت، انتظار حداقلی آن است که فرماندهی صمت سدره هرونه ائتلاف منابع شود؛ اما در عمل سیاست‌هایی به چشم می‌خورد که نقطه مقابل منافع تولید است.

پرده اول این غفلت را می‌توان در ماجرای بازگشایی مسیر واردات خودروهای لوکس دید. در اوج تنگنای ارزی، مجوز ورود محصولاتی چون تویوتا لندکروز و لکسوس تحت عنوان تسهیلات برای ایرانیان خارج از کشور صادر می‌شود. در شرایطی که خانواده‌های ایرانی با دغدغه تأمین خودروی مصرفی مواجه‌اند و چرخ صنعت لنگ چند هزار دلار قطعه‌هاست، چرا باید ارزیابی اولویت‌ها چنین منحرف شود؟ جالب آن که پس از انتقادات جدی نخبگان و افکار عمومی، ورود مستقیم رئیس‌جمهور موجب توقف این طرح شد. جای پرسش است که چرا دستگاه تخصصی صمت باید تا پیش از مداخله عالی‌ترین مقام اجرایی کشور، چشم‌پریامدهای ارزی و روانی این قبیل امتیازات ببندد؟ پرده دوم، نحوه مدیریت مقوله معیشت مرزنشینان، ته‌لنجی و کولبری است. حمایت از هم‌وطنان غیور مرزنشین اصلی خدشه‌ناپذیر است؛ اما آیا راهکار صیانت از مرز، رفع ممنوعیت واردات لوازم خانگی و سس‌رازی کردن کالاهای خارجی فاقد ضمانت، فاکتور معتبر و خدمات به کلان‌شهرهاست؟ صنعتی که با گرانی نهاده‌ها و قطعی انرژی دست‌وپنجه نرم می‌کند، شایسته نیست با گشودن مجاری واردات بی‌ضابطه، بازار داخلی‌اش تحویل برندهای خارجی گردد. هزینه نهایی این رهاشدگی مستقیماً متوجه امنیت شغلی کارگر ایرانی و مصرف‌کننده‌ای است که پس از آسیب دیدن دستگاه، دسترسی به پاسخگوئی نخواهد داشت. پرده سوم نیز در بازار تلفن همراه جریان دارد. روی کاغذ، واردات تجاری مدل‌های گران‌قیمت ممنوع اعلام می‌شود، اما بازارها مملو از جدیدترین آیفون‌هاست. انتقال این تقاضای لوکس به مجاری مسافری و قاچاق، منابع دلار آزاد را می‌بلعد و نرخ ارز را در کل اقتصاد دچار جهش می‌کند؛ درحالی‌که دستگاه سیاست‌گذار به صدور دستورالعمل‌های نمادین بسنده کرده‌است. با این حال در کارزار اقتصادی نمی‌توان با تعارف، مجوزهای سلیقه‌ای و تصمیم‌های بی‌هدف کشور را راهبری کرد. مدیران وزارت صمت باید بدانند تخصیص هر سنت برای واردات لوکس و رهاسازی بازارها، به معنای کاهش ظرفیت خطوط تولید ملی و کوچک شدن سفره خانوارهاست. احیای واقعی صنعت، نیازمند تشکیل ستاد بحران واقعی، خروج از توهم وضعیت عادی و تمرکز صددرصدی منابع ارزی بر جهش تولید و حفظ اشتغال کارگر ایرانی است؛ هر مسیری جز این، پیمودن دور باطل است.

نقشه‌راه عبور از بحران ارزی

نخستین راهکار، تفکیک ارز خدماتی از ارز مورد نیاز شرکت‌ها و صنایع است. اگر قرار است سقف ۱۰ هزار دلار برای پاسخ به نیازهای واقعی مردم اجرا شود، باید مسیر دریافت آن شفاف، سریع و قابل نظارت باشد و تقاضای شرکتی در کانال جداگانه‌ای قرار گیرد. راهکار دوم، کاهش فاصله میان نرخ عرضه و نرخ بازار است تا انگیزه ایجاد رانت و بازفروش کاهش یابد.

سوم، اعتبارسنجی متقاضیان باید همزمان دقیق و کم‌هزینه باشد؛ اگر فرآیند اداری بیش از اندازه پیچیده شود، متقاضی واقعی دوباره به بازار غیررسمی بازمی‌گردد. چهارم، ابزارهایی برای جذب تقاضای حفظ ارزش پول باید توسعه پیدا کند؛ از جمله اوراق سپرده ارزی با تسویه ریالی که پیشنهاد می‌شود. هدف چنین ابزاری این است که فرد برای حفظ ارزش دارایی خود الزاماً مجبور به خرید اسکناس دلار

نشود. و در نهایت، مداخله ارزی باید در کنار کنترل رشد نقدینگی، ناترازی بانک‌ها و سرعت گردش ریال قرار گیرد؛ چرا که تزریق ارز به تنهایی نمی‌تواند جای سیاست پولی منسجم را بگیرد.

دلار ۲۷۰ تومانی و آزمودن یک راه بیهوده در میرداماد

را تجربه کرده است. در واکنش به این تلاطم‌ها، بانک مرکزی فروش ارز تا سقف ۱۰ هزار دلار با کارت ملی را در پنج بانک آغاز کرد که بخشی از بسته مداخله ارزی (تا سقف ۲ میلیارد دلار) است که چند روز پیش اعلام شد.



بانک مرکزی چقدر دلار می‌فروشد؛ پرسش این است که این دلار قرار است کدام تقاضا را پاسخ دهد و آیا اساساً می‌تواند تقاضایی را که از ترس شکل گرفته، آرام کند؟

بانک مرکزی می‌خواهد بخشی از تقاضایی را که در بازار غیررسمی شکل می‌گیرد، پوشش دهد. افزایش سقف از هزار دلار به ۱۰ هزار دلار نیز دقیقاً در همین چارچوب معنا پیدا می‌کند؛ یعنی متقاضیانی که برای درمان، تحصیل، سفر یا سایر نیازهای خدماتی به ارز احتیاج دارند، بتوانند بخش بزرگ‌تری از نیاز خود را از مسیر رسمی تأمین کنند. اما اگر بخش مهمی از تقاضای بازار برای حفظ ارزش دارایی باشد، آیا افزایش سقف خرید می‌تواند این تقاضا را از بازار خارج کند یا خود به آن رسمیت بیشتری می‌دهد؟ محسن زنگنه، اقتصاددان و عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس، درباره عرضه ۲ میلیارد دلار و اختصاص ۱۰ هزار دلار برای هر کد ملی نوشته‌است: «عرضه ۲ میلیارد دلار، به میزان ۱۰ هزار دلار برای هر کد ملی، در چنین شرایطی چه هدفی را دنبال می‌کند؟ نهادی که مردم را به ۲ میلیارد تومان سرمایه‌گذاری در دلار تشویق می‌کند، لاجرم باید سود ۸۰ درصدی‌اش را تضمین کند و این یعنی دلار یک سال دیگر حداقل ۴۰۰ هزار تومان باید باشد!»

مسئله فقط دلار نیست

بازار ارز فقط به اسکناس واکنش نشان نمی‌دهد؛ به پیام‌هایی که از سیاست‌گذار دریافت می‌کند نیز واکنش نشان می‌دهد. بانک مرکزی می‌گوید هدفش دفاع از یک نرخ مشخص نیست، اما همزمان دلار را با نرخ پایه ۲۵۹ هزار تومان عرضه می‌کند؛ در شرایطی که نرخ بازار غیررسمی از ۲۶۸ هزار تومان عبور کرده است. همین فاصله می‌تواند محل بحث باشد. اگر ارز با نرخی پایین‌تر از بازار عرضه شود، طبیعی است که تقاضا برای دریافت آن افزایش پیدا کند. اگر فاصله زیاد باشد، انگیزه آربیتراژ و شکل‌گیری بازار ثانویه نیز افزایش می‌یابد؛ بنابراین موفقیت طرح فقط به حجم ۲ میلیارد دلار وابسته نیست؛ به نحوه توزیع، اعتبارسنجی متقاضیان و فاصله نرخ عرضه با بازار نیز بستگی دارد. سیاست جدید در حالی اجرا می‌شود که تجربه قبلی عرضه ۵۰۰ میلیون دلار نیز وجود داشت؛ مداخله‌ای که تنها حدود ۲۰ میلیون دلار آن جذب شد. افزایش حجم مداخله از ۵۰۰ میلیون دلار به ۲ میلیارد دلار، زمانی اثرگذار خواهد بود که مشکل قبلی، یعنی عدم تطابق میان سازوکار رسمی عرضه و تقاضای واقعی بازار،

نیمای سهیلی روزنامه نگار

همزمان با جهش نرخ ارز، بازار طلا و سکه نیز با رکودهای جدیدی مواجه شده است. دیروز سکه طرح جدید به ۲۷۱ میلیون تومان، هر گرم طلای ۱۸ عیار به ۲۶ میلیون و ۴۵۰ هزار تومان، نیم‌سکه به ۱۴۰ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان و ربع سکه به ۷۶ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان رسید؛ آن هم در شرایطی که قیمت جهانی طلا کاهشی بوده و اونس طلا ۴۱۶۵ دلار است. در چنین وضعیتی که کشور در جنگ اقتصادی قرار دارد، بانک مرکزی تصمیم گرفت زمین بازی را با یک مداخله تغییر دهد؛ یعنی عرضه ۲ میلیارد دلار و فروش حداکثر ۱۰ هزار دلار به هر کد ملی. فروش ارز با سقف ۱۰ هزار دلار به افراد بالای ۱۸ سال از دیروز در پنج بانک ملی، ملت، تجارت، صادرات و سامان آغاز شده است. نرخ هر دلار برای این ۱۰ هزار دلار نیز ۲۵۹ هزار تومان اعلام شد.

اما آیا افزایش سقف فروش ارز به ۱۰ هزار دلار، لزوماً به معنای کاهش تقاضای بازار آزاد است و می‌تواند جلوی روند صعودی نرخ‌ها را بگیرد؟ بانک مرکزی در بیانیه خود اعلام کرد که سطح فعلی نرخ ارز با متغیرهای بنیادی اقتصاد همخوانی کامل ندارد و بخشی از فاصله ایجادشده، ناشی از تشدید نااطمینانی، فشارهای روانی و انتظارات بازار است. این بانک تأکید کرد هدفش دفاع از یک نرخ یا عدد مشخص نیست؛ بلکه مأموریت این نهاد، حفظ ثبات پولی و ارزی و جلوگیری از ماندگار شدن نوساناتی است که پشتوانه بنیادی ندارند. بانک مرکزی افزود: خرید و فروش ارز و طلا و مداخله در بازار، مطابق قانون جدید بانک مرکزی، از ابزارهای قانونی این نهاد است و زمان، حجم و نحوه مداخله نیز براساس شرایط بازار، نیازهای اقتصاد و کفایت ذخایر تعیین خواهد شد. این توضیح بانک مرکزی از نظر سیاست‌گذاری قابل توجه است، اما مسئله اصلی در میدان عمل مشخص می‌شود. بازار باید ببیند آیا این مداخله می‌تواند روند صعودی را متوقف کند یا تنها برای مدتی از سرعت افزایش قیمت می‌کاهد. به ظاهر، تصمیم ساده است؛ یعنی عرضه بیشتر برای پاسخ به تقاضای بیشتر. اما مسئله بازار ارز در چند هفته و ماه‌های اخیر نشان داده که داستان به همین سادگی نیست. بازار بارها افزایش عرضه را دیده و پس از وقفه‌ای کوتاه، دوباره تقاضا به میدان آمده است. پرسش اصلی این نیست که

یادداشت

یمن، گورستان
پروژه نیابتی سعودیعلیرضا حیدری
روزنامه‌نگار

جنگ یمن بار دیگر به صحنه‌ای تبدیل شده که در آن فاصله میان ادعاهای پرطمطراق ریاض و واقعیت میدان بیش از همیشه آشکار شده است. انصارالله هفته‌های اخیر با گسترش عملیات خود در جبهه‌های جنوبی و جنوب غربی، به ویژه در استان تعز، فشار سنگینی بر نیروهای وابسته به عربستان وارد کرده و خطوط ارتباطی و مواضع این نیروها را هدف قرار داده است. گزارش‌های اخیر از درگیری‌های گسترده در تعز نیز نشان می‌دهد که پیشروی‌های انصارالله ریاض و نیروهای هم‌پیمانانش را به واکنش‌های فوری واداشته است.

پیشروی در تعز، به معنای آن است که انصارالله نیروهای مورد حمایت قطر و ترکیه را کنار زده است. پیشروی و فتح مأرب به معنای از میان رفتن نیروهای مورد حمایت عربستان و سلطان نشین‌ها است. عربستان طی سال‌های گذشته میلیاردها دلار هزینه کرد تا در یمن شبکه‌ای از نیروهای محلی، احزاب و شبه‌نظامیان وابسته به خود ایجاد کند، اما اکنون برای حفظ همین شبکه، دوباره به سراغ نسخه قدیمی یعنی اجیر کردن مزدور رفته است. تماس ریاض با مشاوران جذب نیرو و بررسی استخدام جنگجویان خارجی از کلمبیا، کشورهای هم‌جوار و نیروهای سابق سور، در کنار سابقه استفاده از نیروهای سودانی و پیمانکاران نظامی خارجی، تصویر روشنی از این بن‌بست ارائه می‌دهد.

همزمان نیز، حملات موشکی یمن به عربستان و هدف قرار گرفتن مخازن و تأسیسات آرامکو در ریاض و اختلال فعالیت فرودگاه بین‌المللی ملک خالد بعد دیگری از فشار بر عربستان را نشان می‌دهد.

به این ترتیب، عربستان از یک سو در میدان یمن برای حفظ نیروهای نیابتی خود با مشکل مواجه است و از سوی دیگر باید هزینه انتقال جنگ به داخل خاک خود و تهدید تأسیسات نفتی‌اش را نیز بپردازد. مسئله‌ای که شکندگی راهبرد نظامی ریاض را آشکار می‌کند.

طی روزهای اخیر گزارش‌هایی از حملات هوایی سعودی به تعز منتشر شده که در میان آنها هدف قرار گرفتن خانه‌های مسکونی و بازار نیز وجود دارد. یک مرکز حقوق بشری یمنی نیز از کشته شدن غیرنظامیان در حمله به یک منزل مسکونی خبر داده است.

در همین چارچوب، واکنش حزام‌الاسد، عضو دفتر سیاسی انصارالله به ادعاهای رسانه‌های سعودی درباره حمله پهبادی به تأسیسات برق مدینه نیز قابل تأمل است. او این ادعاها را ادامه همان روایتی دانست که پس از ناکامی سعودی در باب‌المنذب، با «پیراهن مکه» و اکنون با «پیراهن مدینه» تلاش می‌کند شکست‌های میدانی را به یک جنگ مذهبی تبدیل کند.

واقعیت آن است که ادامه این مسیر برای عربستان دستاوردی جز فرسایش بیشتر نخواهد داشت. به نفع ریاض است به جای اجرای نسخه‌های واشنگتن و تبدیل شدن به مجری پروژه‌های آمریکا در منطقه، واقعیت‌های جدید یمن و منطقه را بپذیرد و از مسیری که نتیجه آن تضعیف بیشتر خود عربستان و ناامن شدن منطقه است، دست بردارد.



احسان میرباقری

روزنامه‌نگار

با وجود حضور بیش از ۲۰۰۰ پرسنل آمریکایی در بغداد و کردستان عراق، آیا میتوان تخلیه برخی پایگاه‌های آمریکایی در عراق را به معنای خروج تلقی کنیم؟ آیا این حجم از پرسنل آمریکایی همچنان باقی خواهند ماند؟

اخراج نظامیان آمریکا از عراق در مهرماه ۱۴۰۵، به عنوان یک شکست راهبردی برای سیاست‌های آمریکا در منطقه به حساب می‌آید. این اخراج نظامیان آمریکایی در حقیقت خروج نظامی آمریکا از کشورهای منطقه را تسریع می‌کند و به مقاومت ملت‌ها سرعت می‌بخشد.

جنگی که آمریکا علیه ملت ایران تحمیل کرد و تاب‌آوری ۱۵ ماهه ایران، یکی از عوامل اصلی اخراج نظامیان آمریکا از عراق و جمع‌شدن پایگاه‌های نظامی این کشور در منطقه در آینده خواهد بود. این موضوع یک شکست راهبردی برای آمریکاست و یک پیروزی قطعی برای مقاومت در عراق و گام دیگری برای تکمیل سیادت و حاکمیت ملی این کشور است.

البته وقتی از مقاومت در عراق سخن گفته می‌شود، منظور فقط گروه‌های مقاومت مسلحانه نیست. اگرچه این گروه‌ها نقش بی‌بدیل و اساسی دارند. مقاومت، یکپارچگی یک ملت است. پارلمان این کشور، اندیشمندان، مراجع و مردم عراق، همگی با حضور نظامی آمریکا در این کشور مخالفت داشته‌اند.

این اخراج نظامیان، به معنای واقعی، یک شکست راهبردی برای آمریکاست. اگر مرور بر تاریخ چند سال گذشته داشته باشیم، می‌بینیم آمریکایی‌ها که در سال ۲۰۰۳ این کشور را اشغال کردند، قصد خروج نداشتند.

اینکه اکنون گفته می‌شود نیروهای نظامی آمریکا در قالب ائتلاف در بغداد یا کردستان حضور دارند، با اطلاعاتی که در حال حاضر وجود دارد، به این معنا نیست که همان حضور گذشته ادامه دارد. آمریکایی‌ها اعلام کرده‌اند که در یک توافق امنیتی، نیروهایی در حوزه آموزشی، اطلاعاتی و حوزه‌های مشابه، در چارچوب همکاری و توافقات امنیتی در عراق حضور خواهند داشت. این یک توافق دیگر است و در چارچوب همان ائتلاف گذشته نیست که آمریکایی‌ها با هدف اشغال یک کشور و تحقق اهداف خود

در گفت‌وگوی نوبنیاد با کاظمی سفير اسبق ايران در عراق مطرح شد

پروژه نفوذ آمریکا در
عراق هنوز ادامه دارد

در پی رویکرد غرب‌گرایانه دولت الزیدی و همزمان با خروج نظامیان آمریکایی از عراق، گفت‌وگویی با حسن کاظمی قمی، سفير اسبق ايران در عراق انجام داده‌ایم تا ابعاد و پیامدهای این تحولات، میزان تداوم نفوذ آمریکا در عراق و آینده روابط بغداد با جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار گیرد. مشروح این گفت‌وگو به شرح زیر است:

طومار و اعتراض کرده‌اند و اعتراضات مردمی و جریان‌های سیاسی نیز جدی شده است. تا جایی که اکنون شاهد هستیم، قرار است فرودگاه نجف روزانه حدود ۴۰ پرواز با هواپیماهای ایرانی و عراقی داشته باشد. این تصمیمی است که برای امروز گرفته شده است.

بیشترین اشکالی که مطرح می‌شود، متوجه شرکت‌های فرودگاهی در نجف و بغداد است که امور مربوط به پروازها را در فرودگاه‌ها انجام می‌دهند. البته این مسئله قابل قبول نیست. اگر یک شرکت بخواند مانع پروازهای خارجی شود، این به معنای نقض قانون اساسی است.

اکنون موج اعتراض‌ها و مخالفت‌ها در مجموعه دولت، جریان‌های سیاسی، مجلس، علما و مردم آغاز شده است. این موضوع از نجف شروع شده، اما مسئله به همین نقطه ختم نخواهد شد. باید تمام فرودگاه‌ها باز شوند و وضعیت پروازها به حالت عادی بازگردد.

آیا دولت الزیدی ممکن است در روزها و هفته‌های آینده، اگر ترامپ دستور دهد، مجدداً محاصره علیه ایران را به صورت گسترده اجرا کند؟

این اولین بار نیست که آمریکایی‌ها چنین فشاری را وارد می‌کنند. زمانی که آمریکا با ۱۶۰ هزار نیروی نظامی و ائتلاف ۳۰ کشوری، عراق را اشغال کرده بود، تلاش می‌کرد افرادی که همراه و هم‌مسیر با ایران و محور مقاومت است در این کشور حضور نداشته باشد. ترور، گروگان‌گیری، حمله به سفارتخانه و اقدامات متعدد دیگری انجام دادند اما خود آمریکایی‌ها در باتلاقی گرفتار شدند که در نهایت مجبور شدند شبانه فرار کنند.

تعاملات و منافع میان ایران و عراق به اندازه‌ای قوی است که این گونه فشارها مانع از ادامه روابط میان دو کشور نخواهد شد. پس از سال ۲۰۰۳، مردم آمدند و در واقع عراق را به دست گرفتند و یک نظام سیاسی جدید شکل گرفت. اکنون سؤال این است که آمریکا با چه بهانه‌ای اقتصاد عراق را به گروگان گرفته است؟ اینکه عراق نفت خود را می‌فروشد، اما پول آن در صندوقی خارج از عراق قرار می‌گیرد و عراق برای دسترسی به منابع خود باید از آمریکا اجازه بگیرد، مغایر با حاکمیت ملی کشور است.

حرکتی که در عراق قطعاً آغاز خواهد شد، در همین راستاست که همان‌طور که نظامیان آمریکایی از عراق اخراج شدند، نفوذ و سلطه اقتصادی آنها نیز از این کشور خارج شود و این اتفاق خواهد افتاد.

در مسئله مقاومت و سلاح مقاومت نیز امروز مسئله، خلع سلاح نیست. آنچه امروز عراق دنبال می‌کند، این است که تا زمانی که تهدید وجود دارد، دولت عراق و مقاومت و حشدالشعبی، مسئولیت‌های خود را انجام دهند. مسئله انضباط سلاح، موضوعی داخلی و عراقی است که خود دولت عراق با مسئولان ذی‌ربط و نیروهای مرتبط با مقاومت، آن را پیش خواهند برد. لذا فشاری که آمریکایی‌ها در این حوزه وارد خواهند کرد، نتیجه‌ای نخواهد داشت.

وارد آن شده بودند. اهدافی که در نهایت موفق به تحقق آنها نشدند و مجبور شدند از این کشور خارج شوند.

این خروج، یک دستاورد برای دولت عراق، یک شکست برای آمریکایی‌ها و گامی برای تکمیل حاکمیت ملی عراق است. اما آیا این مسئله به‌طور کامل پایان یافته است؟ قطعاً نه.

آمریکایی‌ها همان‌طور که تلاش کردند از طریق نظامی حاکمیت عراق را تحت سلطه خود بگیرند و با استفاده از ابزارهای نظامی، امنیتی، اطلاعاتی و روش‌های مختلف، سلطه و اراده خود را بر این کشور تحمیل کنند، همچنان با ابزارهای دیگر درصدد حفظ حضور و نفوذ خود و تحمیل اراده‌شان در عراق هستند.

با توجه به نقش آمریکا در ساختار اقتصادی وامینتی عراق، آیا می‌توان محدودیت‌های اخیر در پروازهای میان ایران و عراق را صرفاً یک تصمیم اجرایی و فنی دانست، یا این اقدام را باید بخشی از راهبرد فشار آمریکا برای حفظ نفوذ در عراق و محدود کردن روابط اقتصادی و سیاسی تهران و بغداد ارزیابی کرد؟ واکنش دولت، پارلمان و جریان‌های سیاسی عراق به این فشارها تا چه اندازه می‌تواند در مسیر استقلال اقتصادی و حاکمیت ملی این کشور تعیین‌کننده باشد؟

امروز شاهد هستیم که اقتصاد عراق در گروگان آمریکایی‌هاست. آمریکایی‌ها علاوه بر حوزه‌های امنیتی، اطلاعاتی و جاسوسی، در حوزه‌های فرهنگی، فضای مجازی، سایبری و جنگ شناختی و همچنین حوزه‌های دیگر، به صورت مستقیم یا غیرمستقیم تلاش می‌کنند نفوذ خود را حفظ کنند. یکی از ابزارهای مهم آنها برای دخالت و تحمیل اراده خود، به گروگان گرفتن اقتصاد عراق و استفاده از آن علیه ایران است.

یکی از مصادیق آن، تلاش برای ایجاد محاصره هوایی و قطع پروازهای بین ایران و عراق است. این اقدامات با هیاهوی زیادی همراه شده است که فارغ از میزان تأثیری که بر فشار اقتصادی بر کشور ما دارد، بخشی از آن جنبه تبلیغاتی دارد تا شکستی را که آمریکایی‌ها در عراق و در نتیجه اخراج نیروهایشان متحمل شده‌اند، پوشش دهد. بنابراین، این مسئله نیز بی‌ارتباط با موضوع اخراج نیروهای آمریکایی از عراق نیست.

اما نکته‌ای که اکنون قابل توجه است، این است که در عراق تمامی جریان‌های سیاسی، پارلمان، دولت، علما، مراجع، عشایر و مردم، نسبت به تحمیل خواسته آمریکا بر عراق در خصوص جلوگیری از انجام پروازهای هوایی میان ایران و عراق مخالفت کرده‌اند. اگر به اظهارات مقامات عراقی نگاه کنید، برای مثال، مقامات ذی‌ربط بر ضرورت ادامه این پروازها تأکید کرده‌اند. دولت الزیدی نیز همین موضع را دارد و اکنون در حوزه دولت، بحث حل این مسئله مطرح است. نمایندگان مجلس نیز شروع به جمع‌آوری

یادداشت

امارات؛ ضلع پنهان
جنگ علیه ایرانحسین نوری
روزنامه‌نگار

مسأله امارات را نباید با عینک روابط همسایگی یا حجم مبادلات تجاری دید. در شرایط جنگ، کشورها را باید با نقشی که در معادله قدرت ایفا می‌کنند سنجید. اگر یک کشور به تدریج به مسیر جایگزین صادرات انرژی، پایگاه لجستیکی و عقبه نظامی طرف مقابل تبدیل شود، دیگر نمی‌توان نقش آن را صرفاً «همسایگی» نامید. امارات امروز دقیقاً در چنین موقعیتی قرار گرفته است.

یکی از مهم‌ترین اهرم‌های راهبردی ایران، موقعیت جغرافیایی در تنگه هرمز است. این اهرم زمانی معنا دارد که بتواند بر جریان انرژی و محاسبات اقتصادی طرف مقابل اثر بگذارد. طبیعی است که آمریکا و کشورهای حاشیه خلیج فارس نیز برای بی‌اثر کردن آن به دنبال راه‌های جایگزین باشند. اما آنچه در مورد امارات در حال رخ دادن است، از یک اقدام مقطعی فراتر رفته و به یک پروژه زیرساختی تبدیل شده است.

فجیره در این میان نقطه کلیدی است. این بندر در خارج از تنگه هرمز و در ساحل دریای عمان قرار دارد و امارات طی سال‌های گذشته انتقال نفت به این منطقه را توسعه داده است. اکنون نیز پروژه توسعه خط لوله انتقال نفت به فجیره در حال پیشرفت است؛ پروژه‌ای که قرار است ظرفیت انتقال نفت به این بندر را بیش از یک میلیون بشکه در روز افزایش دهد. همزمان، گزارش‌های جدید از افزایش صادرات فرآورده‌های نفتی فجیره حتی در شرایط اختلال در هرمز خبر می‌دهند.

یعنی همزمان با آن‌که ایران تلاش می‌کند هرمز را به یک اهرم فشار راهبردی تبدیل کند، امارات در حال ساختن سازوکاری است که بخشی از این فشار را بی‌اثر کند.

امارات با استفاده از نفتکش‌های کوچک‌تر، کشتی‌های فرسوده و یدک‌کش‌ها توانسته بخشی از اثر محدودیت‌های اعمال شده بر تردد نفتکش‌ها را کاهش دهد. این یعنی ابوظبی صرفاً منتظر باز شدن هرمز نمانده؛ بلکه در حال تطبیق دادن شبکه تجاری و انرژی خود با شرایط جدید است.

از سوی دیگر، امارات میزبان نیروهای تروریستی آمریکا و زیرساخت‌های نظامی این کشور است. گزارش کنگره آمریکا نیز امارات را شریک دفاعی عمده واشنگتن معرفی می‌کند و از حضور نیروهای آمریکایی در تأسیسات نظامی این کشور خبر می‌دهد. بنابراین وقتی یک کشور همزمان عقبه انرژی، مسیر لجستیکی و زیرساخت نظامی در اختیار طرف مقابل قرار می‌دهد، طبیعی است که در محاسبات امنیتی ایران باید به عنوان هدف مشروع شناخته شود.

چراکه امارات امروز بیش از هر زمان دیگری در حال تبدیل شدن به بخشی از معادله آمریکا برای هرمز است. بنابراین پاسخ ایران نیز باید متناسب با همین واقعیت طراحی شود؛ پاسخی که بتواند هزینه خنثی‌سازی اهرم‌های ایران را برای طراحان و مجریان آن افزایش دهد.

پایان تلخ برای
عملیات پرچم
دروغین

درحالی‌که ترامپ و نتانیاهو تلاش داشتند ماجرای هواپیمای فلای دبی را به ایران منتسب کنند، گزارش تازه CNN پرده از سوابق امنیتی کمک‌خلبان عمانی برداشته است؛ فردی که پیش‌تر به دلیل نگرانی درباره دیدگاه‌های افراطی از یک شرکت هواپیمایی کنار گذاشته شده بود. حالا این پرسش جدی مطرح است که چرا وی در مسیر امارات و سرزمین‌های اشغالی مشغول به کار شده بود؟

اعتراف مهم درسی‌ان‌ان؛ پرچم دروغین اسرائیل در سقوط مشکوک فلای دبی زیر سؤال رفت

طرح خطرناک فرار از شکست انتخاباتی

حادثه را تقویت کرده است. این رویداد در حالی رخ می‌دهد که هر دو آن‌ها با کاهش شدید محبوبیت داخلی روبه‌رو هستند و به نظر می‌رسد با بالا بردن تنش، به دنبال جبران شکست‌های پیشین هستند.

سی‌ان‌ان در گزارشی به بررسی ماجرای مشکوک پرواز فلای دبی به مقصد تل‌آویو پرداخت و با استناد به اعتراف مربی پرواز و خلبان کانادایی، سناریوی «پرچم دروغین» اسرائیل را زیر سؤال برد. همزمان مواضع تند ترامپ و نتانیاهو ظن ساختگی بودن

محسن فرهنگد
روزنامه‌نگار

امارات اکنون حادثه را یک اقدام تروریستی توصیف کرده و تحقیقات برای روشن شدن انگیزه و ارتباطات احتمالی او ادامه دارد.

با این حال، پیش از تکمیل تحقیقات، نام ایران از سوی واشنگتن و تل‌آویو وارد پرونده شده است. این تحرکات در سایه کاهش شدید محبوبیت ترامپ در آمریکا و احتمال شکست جمهوری خواهان در انتخابات میان‌دوره‌ای مجلسین رخ می‌دهد. همزمان نتانیاهو نیز در داخل رژیم صهیونیستی با وضعیت نامطلوبی در آستانه انتخابات روبه‌روست. به نظر می‌رسد این دو با بالا رفتن از پلکان تنش، در پی آن هستند آنچه را در دو جنگ پیشین به دست نیاوردند، در مرحله بعدی کسب کنند؛ قماري که می‌تواند شکستی بسیار بدتر برای آنان رقم بزند ولی در شرایط فعلی تنها راهی است که به ذهن آنان می‌رسد. در این راستا نشانه تازه‌ای از افول سیاسی ترامپ، خالی ماندن نیمی از سالن ده‌هزار نفری آلاباما در گردهمایی اخیر اوست. جن ساکی، مجری شبکه MSNOW، با اشاره به این صحنه گفت حتی در آلابامای به‌شدت جمهوری‌خواه نیز شور و اشتیاق نسبت

ماجرای پرواز فلای دبی به مقصد تل‌آویو، در حالی وارد مرحله‌ای تازه شده که دونالد ترامپ بدون ارائه‌سندی از احتمال ارتباط ایران با این حادثه سخن گفته و تهدید کرده است در صورت اثبات این ارتباط، ایران «به‌شدت هدف قرار خواهد گرفت».

اما همزمان، گزارش تازه CNN ابعاد متفاوتی از پرونده را آشکار کرده است. براساس این گزارش، حمام الحمایی، کمک‌خلبان عمانی متهم به حمله به خلبان، پیش‌تر در شرکت عمان ایر با نگرانی‌هایی درباره دیدگاه‌های افراطی مواجه شده و از پرواز کنار گذاشته شده بود. گزارش‌های منتشرشده همچنین از وجود محتوای مرتبط با گروه‌های افراطی در حساب‌های منتسب به او خبر می‌دهند.

این افشاگری، پرسش مهمی را پیش می‌کشد: اگر سوابق امنیتی این فرد پیش‌تر محل نگرانی بوده، چرا او بار دیگر توانسته به کابین یک هواپیمای مسافربری آن‌هم در مسیر امارات به سرزمین‌های اشغالی راه پیدا کند؟

سیاست خارجی

فارن افرز: ایران به‌طور نامحدود برای جنگ آماده است

نشریه آمریکایی فارن افرز در تحلیلی با اشاره به دفاع محکم ایران در جنگ تحمیلی سوم و توان تهران برای تطبیق با فشارهای مضاعف، نوشته که ایران نسبت به زمان پیش از آغاز جنگ قوی‌تر ظاهر شده است و عزم آن آسیب‌زا تر کردن هرچه بیشتر حضور نظامی آمریکا در منطقه تا زمانی است که واشنگتن چاره‌ای جز عقب‌نشینی نداشته باشد.

فارن افرز در گزارشی تحلیلی بررسی کرده است که تهران با وجود حملات هوایی متجاوزانه و غیرقانونی آمریکایی- صهیونیستی که با هدف ویرانی کشور انجام شد اکنون قوی‌تر از زمانی است که جنگ آغاز شد، چراکه توانست با موفقیت تنگه هرمز را کنترل کند تا قیمت انرژی در بازار جهانی سر به فلک بکشد، نیروهای مسلح آن ثابت کرده‌اند که با وجود بمباران سنگین، قادر به ادامه میلادی نیز بر همین مسیر باقی خواهد ماند. فارن افرز با اشاره به این‌که شرایط فعلی باعث شده تا «تهران بیش از حد برای تسلیم آمریکا آماده باشد»، اظهار داشت: مقامات ایران جهان را با آرمان خود هم‌دل می‌دانند و شهروندانشان از آن‌ها حمایت می‌کنند. به عبارت دیگر، آن‌ها معتقدند که این فرصت آخر آن‌ها برای شکست دادن واشنگتن است.



نوبنیاد

■ صاحب امتیاز: محسن منصوری
■ مدیرمسئول: حمیدرضا بیانی
■ تلفن: ۰۲۱-۸۸۴۹۹۳۷۲
■ کدپستی: ۱۵۹۹۷۵۷۱۵

■ آدرس: خ سپهبد قرنی خ شاداد پلاک ۲۲ واحد پنج
■ چاپخانه: صمیم

nobonyadonline nobonyadonline
nobonyadonline.ir

فرهنگ

C U L T U R A L

یکشنبه ۱۲ مهر ۱۴۰۵ سال اول شماره ۱۵۰

یادداشت

خطر پانترکیسم

روی زبان فارسی!

وحید ناظری
روزنامه‌نگار

ماجرای ترجمه و انتشار ترکی کتاب‌های درسی ایران، اگران گونه که منتشر شده صحت داشته باشد، دیگر صرفاً یک تخلف در حوزه نشر نیست؛ یک نشانه روشن از این است که متولیان فرهنگ و آموزش کشور تا کجا در خواب غفلت فرو رفته‌اند. جریان‌های پانترکی که سال‌هاست ایده آموزش به زبان مادری را به عنوان یک مطالبه فرهنگی مطرح می‌کنند، حالا ظاهراً به مرحله‌ای رسیده‌اند که خودشان دست به کار تولید و انتشار کتاب درسی شده‌اند. آن هم نه هر کتابی؛ کتاب فارسی دوم دبستان.

این دیگر بحث احترام به زبان‌های محلی نیست. کسی بازبان و فرهنگ مردم ایران مشکلی ندارد. مسئله از جایی آغاز می‌شود که عده‌ای بخواهند برای نظام آموزشی کشور نسخه جداگانه بپیچند و بدون مجوز و خارج از ساختار رسمی آموزش و پرورش، کتاب درسی تولید و منتشر کنند. عجیب‌تر از اقدام این جریان‌ها، بی تفاوتی متولیان است. وزارت آموزش و پرورش اگر چنین اقدامی صورت گرفته، باید توضیح دهد چه کسی مجوز داده، کتاب کجا تولید شده، چگونه منتشر شده و چرا تاکنون با آن برخورد نشده است. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز نمی‌تواند در برابر انتشار اثری که ادعا می‌شود کتاب درسی را بازتولید کرده، صرفاً تماشاگر باشد.

سال‌هاست درباره هویت ایرانی، وحدت ملی و ضرورت حفظ پیوندهای تاریخی و فرهنگی مردم این سرزمین حرف می‌زنیم؛ اما ظاهراً در میدان عمل، عده‌ای دیگر مشغول طراحی زمین بازی خودشان هستند.

اینکه آموزش به زبان مادری چگونه باید اجرا شود، بحثی است که می‌توان درباره ابعاد فرهنگی و آموزشی آن گفت و گو کرد؛ اما تبدیل این بحث به پروژه‌ای برای ایجاد گسست در نظام آموزشی و هویت مشترک ایرانی، مسئله دیگری است که نمی‌توان از کنار آن به سادگی گذشت.

کشوری که متولیانش درگیر هزار مسئله اقتصادی و امنیتی‌اند، نباید عرصه فرهنگ را به حال خود رها کند تا هر کس هر کاری خواست انجام دهد و بعد تازه مسئولان متوجه ما جرا شوند.

اگر این کتاب واقعاً منتشر شده، باید مشخص شود چه کسی مسئول آن است. اگر غیرقانونی است، برخورد قانونی لازم است. و اگر قانونی است، متولیان آموزش و فرهنگ کشور باید دقیقاً توضیح دهند براساس کدام قانون و با چه مجوزی.

مسئله فقط یک کتاب درسی نیست. مسئله این است که چه کسی قرار است برای آینده فرهنگی و آموزشی ایران تصمیم بگیرد؛ نهادهای رسمی جمهوری اسلامی یا کسانی که از خلأ نظارت استفاده می‌کنند و آرام‌آرام برای خودشان ساختار موازی می‌سازند؟

چرا خرید کمپانی برادران وارنر توسط بخش محافظه کار هالیوود اهمیت دارد؟

ترامپ‌یسم رویای آمریکایی را می‌بلعد

بلکه بازتعریف قدرت نرم در قرن بیستم و یک محسوب شده و تمرکز کنترل بر شبکه‌های خبری قدرتمندی مانند سی‌ان‌ان و سی‌بی‌اس در کنار استودیوهای فیلم‌سازی کلاسیک، انحصاری را پدید آورده که توانایی شکل‌دهی به روایت‌های فرهنگی و سیاسی آمریکا را به شدت افزایش داده است. منتقدان معتقدند این غول رسانه‌ای جدید، چالش جدی برای اصول تنوع مالکیت و استقلال ژورنالیسم ایجاد می‌کند.

در پی توافق برای ادغام پارامونت و برادران وارنر، شرکت جدید با نام اسکای دنس فعالیت خواهد کرد. این توافق پس از ماه‌ها مذاکره میان دو مجموعه نهایی شده است؛ به‌طوریکه ادغام استراتژیک پارامونت گلوبال و برادران وارنر دیسکاوری در قالب نهادی واحد به نام اسکای دنس، تغییری اساسی و ویژه در معماری رسانه‌های جهانی ایجاد خواهد کرد. این معامله که ارزشی نزدیک به ۱۱۰ میلیارد دلار دارد، تنها یک جابه‌جایی مالی نیست



مسعود حنیفی

روزنامه‌نگار

ارتباطات نزدیک دیوید الیسون، مدیرعامل اسکای دنس، با حلقه قدرت دونالد ترامپ و رهبران جمهوری خواه، ابعاد سیاسی این ادغام را پررنگ تر ساخته است. الیسون، فرزند لری الیسون، اهداکننده سرشناس کمپین‌های جمهوری خواه، اخیراً تمایل خود به همسوئی با جریان ماگارا آشکار کرده است.

تسویه حساب ۱۶ میلیون دلاری پارامونت با شکایت ترامپ علیه برنامه شصت دقیقه، پیش از اخذ مجوزهای نظارتی رخ داد و بسیاری آن را نشانه‌ای از مبادله منافع تجاری با حمایت‌های سیاسی تفسیر کردند. کمیسیون ارتباطات فدرال نیز با وجود اعتراضات گسترده دموکرات‌ها، مجوز انتقال کنترل را صادر کرد؛ فرآیندی که برخی ناظران آن را تحت تأثیر فشارهای مستقیم دولت دانستند.

از سوی دیگر، وقتی خبر شراکت شیخ‌نشین‌های خلیج فارس برای خرید برادران وارنر به بیرون درز کرد هالیوود با این مسئله درگیری‌ای اساسی پیدا کرد، زیرا انتقال برادران وارنر به پارامونت اسکای دنس، تجمع سرمایه‌گذاری‌های سنگین از سوی صندوق‌های ثروت ملی کشورهای حوزه خلیج فارس را نیز شامل می‌شد و وابستگی‌های عمیقی به حلقه قدرت نزدیک ترامپ ایجاد می‌کرد.

القصة، سناتورهای دموکرات هشدار داده‌اند که این معامله امنیت ملی را تهدید می‌کند و امکان دخالت خارجی در رسانه‌های داخلی آمریکا را فراهم می‌آورد. وعده‌های مبهم حفاظت از بخش‌های خبری مانند سی‌ان‌ان و سی‌بی‌اس در قرارداد تسویه با ایالت‌ها، نتوانسته است تردیدها را رفع کند.

تحلیلگران مدنی استدلال می‌کنند که آزادی مطبوعات قربانی منافع تجاری و سیاسی شده است. برای ترامپ و جمهوری خواهان، این ادغام

یادداشت

نسخه رسمی ابتدال

سعید مصباح
روزنامه‌نگار

«خانم والده» اگرچه ارزش آن را ندارد که وقت زیادی برای نقد سینمایی‌اش صرف کنیم؛ اما یک سؤال مهمی وجود دارد که نمی‌توان به سادگی از کنار آن عبور کرد: چه نهادی چنین محصولی را دیده، بررسی کرده و در نهایت به آن اجازه داده است به عنوان یک اثر رسمی فرهنگی در معرض تماشای عموم قرار بگیرد؟

مسئله فقط کیفیت پایین یک فیلم نیست. فیلم بد همیشه ساخته می‌شود و مخاطب نیز می‌تواند آن را نبیند. مسئله از جایی آغاز می‌شود که ابتدال، پس از عبور از تمام سازوکارهای رسمی نظارت فرهنگی، مهر تأیید می‌گیرد و به نام محصول فرهنگی وارد چرخه اکران می‌شود. اینجا دیگر نمی‌توان همه چیز را به سلیقه مخاطب حواله داد. وقتی یک نهاد رسمی مجوز نمایش صادر می‌کند، عملاً مسئولیت فرهنگی خود را نیز پای همان مجوز می‌گذارد.

سال‌هاست از ارتقای فرهنگ عمومی، خانواده، اخلاق و مقابله با ابتدال سخن گفته می‌شود؛ اما اگر محصولی که بخش مهمی از منطق خنداندنش بر شوخی‌های جنسی، تحقیر، زن‌پوشی و شکستن قبح‌ها استوار است، امکان اکران پیدا می‌کند، باید پرسید این شعارها دقیقاً قرار است کجا به سیاست فرهنگی تبدیل شوند؟ اگر متولی فرهنگ حتی در تشخیص مرز میان طنز و ابتدال ناتوان باشد، اساساً فلسفه وجودی این حجم از شورا، سازمان، معاونت، اداره و سازوکار نظارتی چیست؟

شرم‌آورتر اینکه فیلم‌هایی سال‌ها در انتظار مجوز می‌مانند و گاه با دلایل مبهم یا جزئی‌ترین ملاحظات متوقف می‌شوند، اما اثری با چنین سطحی از ابتدال مسیر اکران را طی می‌کند. این دوگانگی فقط یک تناقض بوروکراتیک نیست؛ نشانه سردرگمی در سیاست‌گذاری فرهنگی است. نمی‌شود برای برخی آثار چنان ذره‌بین نظارتی گذاشت که حتی نفس کشیدنشان دشوار شود و برای برخی دیگر، ابتدال را با عنوان طنز از دروازه فرهنگ عبور داد.

متولی فرهنگ نمی‌تواند هنگام سخنرانی از نگرانی درباره ذات‌قه نسل جدید بگوید و هنگام عمل، خودش به تولید و تثبیت همان ذات‌قه‌ای کمک کند که از آن شکایت دارد. فرهنگ عمومی با بخشنامه ساخته نمی‌شود؛ با آنچه اجازه می‌دهیم دیده، شنیده و تکرار شود ساخته می‌شود.

اعطای مجوز خانم والده یک تصمیم فرهنگی است. بنابراین اگر قرار است کسی درباره این وضعیت پاسخگو باشد، فقط سازندگان فیلم نیستند؛ نخست باید از متولی فرهنگی پرسید چرا چنین اثری اصلاً به نقطه‌ای رسید که بتواند با یک مجوز رسمی، ابتدال را به مخاطب عرضه کند؟



آیین رونمایی از کتاب «من وقت دارم» با رویکرد بازخوانی خاطرات و شیوه حکمرانی شهید آیت‌الله سیدابراهیم رئیسی برگزار شد. در این نشست، محمدمهدی اسماعیلی، مدیرعامل بنیاد شهید رئیسی، ویژگی ممتاز این مدیر فقید را («قدرت گره‌گشایی و حل مسئله») دانست و تأکید کرد هرچند

بازخوانی سیره

اجرایی شهید

رئییسی در آیین

معرفی «من وقت

دارم»